

حاشیه‌نشینان و ارتکاب جرایم اجتماعی

مطالعه موردی: شهر یزد

حسن حکمت‌نیا - استادیار دانشگاه پیام نور
سیدعلیرضا افشانی* - استادیار دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه یزد

پذیرش مقاله: ۱۳۸۷/۱۱/۱۰ تأیید نهایی: ۱۳۸۸/۱۰/۲۳

چکیده

حاشیه‌نشینی یکی از پیامدهای صنعتی‌شدن و رشد شهرها در کشورهای مختلف، اعم از توسعه‌یافته یا در حال توسعه است. حاشیه‌نشینی پدیده‌ای نامیمون و ناهمسو با سایر ابعاد جامعه تلقی می‌شود، چرا که به نوبه خود پیامدهای متعددی برای جامعه به دنبال دارد که یکی از مهم‌ترین آنها رشد انحراف اجتماعی است. هدف تحقیق حاضر بررسی رابطه حاشیه‌نشینی با ارتکاب جرایم اجتماعی در شهر یزد بوده است. فرضیه اصلی تحقیق این است که بین وضعیت بد اقتصادی و معیشتی حاشیه‌نشینان و ارتکاب جرایم اجتماعی آنها رابطه وجود دارد. روش تحقیق از نوع پیمایشی بوده است. جامعه آماری تحقیق را کلیه خانوارهای ساکن در حاشیه شهر یزد تشکیل می‌داد. با توجه به پراکندگی متغیر اصلی تحقیق در پیش‌آزمون انجام شده و سطح اطمینان ۹۵ درصد، نمونه‌ای به حجم ۲۸۲ نفر از ساکنان مناطق حاشیه‌ای شهر یزد انتخاب و به صورت حضوری با آنها مصاحبه شد. طبق یافته‌های تحقیق بین بیکاری، درآمد خانواده و ارتکاب جرایم اجتماعی رابطه معنی‌داری وجود دارد. افراد بیکار و با درآمد پایین نسبت به افراد شاغل و افراد با درآمد بالا بیشتر مرتکب جرایم اجتماعی شده‌اند. همچنین نتایج تحقیق نشان داد که بین مهاجرت، تحصیلات پدر، تحصیلات مادر و ارتکاب جرایم اجتماعی رابطه معنی‌داری وجود ندارد. نتایج این تحقیق، همسو با نظریات قشربندی اجتماعی و به ویژه نظریه محرومیت و همچنین نظریه فشار است که مدعی است افراد به دلیل داشتن مشکلات اقتصادی و کمبود درآمد از یک سو و مقایسه خود با دیگرانی که در شهر هستند از سوی دیگر، تمایل زیادی به ارتکاب رفتار مجرمانه پیدا می‌کنند.

کلیدواژه‌ها: حاشیه‌نشینی، جرایم اجتماعی، فقر، بیکاری، شهر یزد.

مقدمه

یکی از ویژگی‌های مهم قرن بیستم تراکم جمعیت در شهرها، جدایی‌گزینی اقتصادی - اجتماعی در دامن شهرها و شکل‌گیری پدیده حاشیه‌نشینی و گسترش آسیب‌های اجتماعی و شهری است. حاشیه‌نشینی عبارت است از وضع زندگی

تمام کسانی که در جامعه شهری ساکن‌اند ولی از نظر درآمد و بهره‌گیری از امکانات و خدمات شهری در شرایط نامطلوبی به سر می‌برند (Coit, 1994, 116).

در ایران جریان شهرنشینی در چندین سال گذشته، حاشیه‌نشینی را به دنبال داشته و این پدیده در حال رشد، مشکلات اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی، امنیتی و زیست‌محیطی فراوانی را در کلان‌شهرهای ایران به وجود آورده است. واقعیت دیگری را نیز باید به عنوان عامل اساسی در رشد شهرنشینی جهان سوم و به‌ویژه کشور ایران مورد توجه قرار داد و آن، میزان یا درصد بالای مهاجرت از مناطق روستایی به شهرهاست (ربانی و دیگران، ۱۳۸۵، ۹۰-۹۱).

حاشیه‌نشینی یکی از عوارض مهاجرت‌های داخلی از روستا به شهر در کشورهای در حال توسعه از جمله ایران است که پیوسته توجه برنامه‌ریزان اجتماعی و شهری را به خود جلب کرده است. این پدیده در واقع در پی حرکت این جوامع از سنتی به مدرن و تعارض‌های مربوط به این فرایند همچنان به تشکیل و بقای خود ادامه می‌دهد و منجر به بروز اشکال ترکیبی بی‌سامان، متفاوت و ناهماهنگ با بافت سنتی نسبتاً یکدست شهری می‌شود (پارسا‌پژوه، ۱۳۸۱، ۱۶۲). حاشیه‌نشینان خود دارای چالش‌های اقتصادی و اجتماعی بسیاری هستند و از طرفی محیط شهر اصلی را نیز دچار بسیاری از مشکلات اجتماعی مانند ناامنی و نظایر آن می‌کنند (محمدی و دیگران، ۱۳۸۷، ۸۶).

حاشیه‌نشینی با جرم رابطه مستقیم و نزدیک دارد. تنوع، تجمل و اختلاف فاحش و گسترده طبقات اجتماعی ساکن شهرهای بزرگ، و گرانی و سنگینی هزینه‌های جاری زندگی موجب می‌شود تا مهاجران غیرمتخصص که درآمد آنان کفاف مخارج‌شان را نمی‌دهد، به‌منظور برآوردن نیازهای خود دست به هر کاری - ولو غیرقانونی - بزنند. در چنین مناطقی به لحاظ از بین رفتن ارزش‌های انسانی، کجروی‌های اجتماعی سریعاً رشد می‌کند و اعمالی چون دزدی، اعتیاد، قاچاق، فحشا و نظایر آن گسترش می‌یابد (ستوده، ۱۳۷۶، ۷۷). علاوه بر اینها، پیدایش زمینه‌های توسعه و فعالیت در سوءاستفاده از مواد مخدر و نابسامانی‌های کانون خانواده در مناطق حاشیه‌نشین از نتایج شوم مهاجرت‌های شدید روستایی به شهرهاست (مساواتی آذر، ۱۳۷۴، ۳۳).

تجمع مهاجران با فرهنگ‌های متعدد در حاشیه شهرها همراه با معضلات ناشی از فقدان اشتغال، منجر به بزهکاری‌ها و ایجاد مناطق تبهکاری می‌شود. مطالعات و تحقیقات جامعه‌شناسی شهری نشان داده است که زندگی حاشیه‌نشینی با افزایش جرم‌زایی رابطه مستقیم و نزدیکی دارد و گاهی این رابطه دوسویه است؛ یعنی حاشیه‌نشینی و جرم علت و پیامد یکدیگرند (Jargowsky, 2009; Park, 2007). همچنین از بعد اقتصادی، افزایش مهاجران غیرماهر و غیرمتخصص، موجب پیدایش بیکاری پنهان و توسعه غالباً غیرضروری بخش خدمات می‌شود (توسلی، ۱۳۷۴، ۱۳).

شهر یزد نیز، به تبع گسترش شتابان شهرنشینی با پدیده حاشیه‌نشینی در بعضی از محله‌های بافت قدیمی و مناطق پیرامونی مواجه شده است، به‌طوری که سطح زندگی در این مناطق از نظر کیفی، نسبت به سایر مناطق و محله‌های شهری یزد متفاوت است و در سطح بسیاری پایینی قرار دارد. عواملی چون بیکاری، فقر، نداشتن مسکن استاندارد، قرار گرفتن در انزوای اجتماعی، عدم تعلق خاطر و وابستگی به ارزش‌ها، باعث بروز ناهنجاری‌های اجتماعی و گسترش آسیب‌های شهری در این شهر شده است. بنابراین مناطق حاشیه‌نشین در شهر یزد، علاوه بر اینکه سبب ناهمگونی در سیمای شهری شده‌اند، موجب برهم ریختن تعادل و توازن فرهنگی و گسترش بزهکاری، تعارض، فقر و ناهمگونی

اجتماعی - جمعیتی و نظایر اینها نیز گشته‌اند. مطالعه حاضر درصدد پاسخ به این پرسش است که: چه رابطه‌ای بین ویژگی‌های حاشیه‌نشینان و ارتکاب جرایم اجتماعی وجود دارد؟

مبانی نظری تحقیق

در مورد ارتباط حاشیه‌نشینی و جرم دو تبیین رایج و مسلط وجود دارد: یکی دیدگاهی که بر عوامل اجتماعی کلان تأکید می‌ورزد؛ و دیگری دیدگاهی که بر عوامل سطح فردی تأکید دارد. برخلاف دیدگاه فردی که معتقد است میزان جرایم محصول رفتارهای انحرافی تک‌تک افراد است، در دیدگاه‌های کلان بر نقش جامعه و ساختارهای اجتماعی تأکید می‌شود.

دیدگاه قشربندی اجتماعی، معتقد است که ارتکاب جرم با وضعیت اقتصادی جامعه ارتباط دارد. این دیدگاه گرچه سابقه طولانی دارد، اما دو نسخه فرعی آن بر تحقیقات مختلف درباره حاشیه‌نشینی و جرم تسلط داشتند. دیدگاه نخست که مدل محرومیت مطلق خوانده می‌شود، بر تأثیر جرم‌زای فقدان درآمد مکفی برای تأمین نیازهای معیشتی اولیه تأکید دارد و معتقد است که ارتکاب جرم یکی از منابع و شیوه‌های اصلی کسب معاش برای ساکنان نواحی فقیرنشین است. علاوه بر این، مدل فقر مطلق تأکید می‌کند که تأثیرات استرس‌زا و غیرانسانی زندگی در شرایط نامساعد اقتصادی، ناکامی‌هایی را ایجاد می‌کند که از طریق خشونت‌های جسمی و فیزیکی ابراز می‌شود (Blau and Balu, 1982; Messner, 1982; Williams, 1984; Bailey, 1984; Loftin and Parker, 1985). آزمون این فرضیه در تحقیقات بعدی، نتایج مختلفی به دنبال داشته است. به عنوان مثال، تعدادی از تحقیقات ارتباط میزان بالای فقر را با وقوع جرایم خشن تأیید کرده‌اند (Harer and Messner, 1983; Sampson, 1985; Balkwell, 1990; Harer and Messner, 1983; Steffensmeier, 1992; Fowles and Merva, 1996; Ousey, 1999). تحقیقات دیگر، مدعی شدند که این ارتباط بستگی به ویژگی‌های ناحیه مورد بررسی (Messner, 1983; Blau and Golden, 1986) و نوع ارتکاب جرم دارد (Blau and Golden, 1986; Fowles and Merva, 1996) و تحقیقات دیگری نیز ارتباط معناداری را میان فقر و ارتکاب جرم پیدا نکردند (Peterson and Bailey, 1988; Corzine and Huff-Corzine, 1992).

نسخه دیگری از دیدگاه قشربندی اجتماعی، مدل محرومیت نسبی خوانده می‌شود که بیشتر بر ابعاد جرم‌شناختی نابرابری اقتصادی - اجتماعی تأکید دارد تا بر فقر مطلق (Bonger, 1916; Merton 1938; Braithwaite, 1979; Blau and Blau, 1982). ایده اساسی مورد تأکید در این دیدگاه، آن است که افراد موقعیت اقتصادی خود را در مقام مقایسه با دیگران ارزیابی می‌کنند و زمانی که افراد احساس کنند که دیگران منابع مطلوب بیشتری را در مقایسه با آنها در اختیار دارند، احساس محرومیت و تنفر و عصبانیت در آنها پیدا می‌شود. این احساس محرومیت، به‌ویژه زمانی تشدید می‌گردد که افراد توزیع نابرابر منابع را ناعادلانه بدانند و خود را ناتوان از بهبود موقعیت اقتصادی - اجتماعی‌شان، احساس کنند. نتایج چندین تحقیق، ارتباط مورد انتظار میان محرومیت نسبی و جرم را تأیید کرده‌اند (Peterson and Bailey, 1988; Harer and Steffensmeier, 1992; Fowles and Merva, 1996; Kovandzic, Vieraitis and Yeisley, 1998).

چندین نظریه معروف دیگر برای بررسی رابطه جرم و حاشیه‌نشینی مورد استفاده قرار گرفته‌اند. نخست نظریه فشار است که به بلوکه شدن فرصت‌های اقتصادی - اجتماعی به عنوان عاملی در جرم و بزهکاری توجه می‌کند (Merton, 1938; Agnew, 1992, 1999). براساس این نظریه، زمانی که افراد نتوانند در کسب اهداف مورد نظرشان (نظیر کسب درآمد، پیشرفت تحصیلی و جز آن) موفق شوند، با فشارهایی مواجه می‌گردند. در شرایط خاصی، برای واکنش به این فشارها، احتمال ارتکاب جرم افزایش می‌یابد. رابرت اگنیو، نسخه اصلاح شده‌ای از نظریه فشار را با عنوان نظریه عمومی فشار مطرح می‌کند. به نظر رابرت اگنیو، الف) شکست در رسیدن به اهداف ارزشمند مثبت؛ ب) فقدان انگیزه‌های ارزشمند مثبت؛ و ج) وجود انگیزه‌های منفی، از منابع عمده فشار به‌شمار می‌آیند (موسوی چاشمی، ۱۳۸۶).

الف) فشار ایجاد شده به خاطر عدم دستیابی به اهداف ارزشمند مثبت: اگنیو استدلال می‌کند که عدم دستیابی به اهداف ارزشمند مثبت - شامل پول، منزلت، احترام، استقلال و خودمختاری - اولین نوع فشار است. هنگامی که در جامعه گسستگی بین آمال و آرزوها و واقعیات زندگی پدید آید، افراد به سمت اهداف جایگزین هدایت می‌شوند و دستیابی اهداف ارزشمند مثبت، از طریق کانال‌های مشروع برای آنان دشوار می‌گردد (Agnew, 1999, 127).

ب) فشار در نتیجه حذف انگیزه‌های ارزشمند مثبت از افراد: رفع انگیزه‌های مثبت نیز می‌تواند سبب فشار شود. به عنوان مثال، شکست در عشق، نقل مکان به محل یا مدرسه جدید و طلاق یا جدایی والدین می‌توانند موجب فشار باشد (Seigel & Senna, 1997, 159). زمانی که فرد سعی می‌کند تا از فقدان انگیزه مثبت ممانعت کند و آنچه را که از دست رفته است بازابد، جایگزینی برای آن پیدا کند و یا از کسانی که مسئول از دست دادن آن بودند انتقام بگیرد، حذف یا فقدان انگیزه‌های مثبت ممکن است منجر به بزهکاری شود (Agnew, 1992, 57-59).

ج) فشار در نتیجه وجود انگیزه‌های منفی: فشار با حضور محرک‌های منفی یا مضر نیز می‌تواند ایجاد شود، مانند ترغیب به تعاملات اجتماعی همچون کودک‌آزاری، قربانی تبهکاری شدن، تنبیه بدنی، زد و خورد خانوادگی و همسالان، شکست تحصیلی و حوادث تنش‌زای زندگی، اعم از تهدیدهای زبانی تا آلودگی هوا (Seigel, 1998, 180).

روش تحقیق

هدف مطالعه حاضر، بررسی رابطه حاشیه‌نشینی با ارتکاب جرایم اجتماعی در شهر یزد است. این پژوهش به‌منظور پاسخگویی به این پرسش‌ها انجام شده است:

- آیا رابطه‌ای بین درآمد خانواده حاشیه‌نشینان و ارتکاب جرایم اجتماعی وجود دارد؟
- آیا رابطه‌ای بین میزان تحصیلات والدین حاشیه‌نشینان و ارتکاب جرایم اجتماعی وجود دارد؟
- آیا رابطه‌ای بین بیکاری حاشیه‌نشینان و ارتکاب جرایم اجتماعی وجود دارد؟
- آیا رابطه‌ای بین مهاجرت حاشیه‌نشینان و ارتکاب جرایم اجتماعی وجود دارد؟

در تحقیق حاضر از روش پیمایش^۱ یا آنچه که میلر^۲ مصاحبه شخصی می‌نامد، استفاده شده است. در ضمن برای

تدوین چارچوب نظری تحقیق و مروری بر تحقیقات پیشین، از روش کتابخانه‌ای (اسنادی) نیز بهره گرفته شده است. در نهایت اینکه، این مطالعه به لحاظ هدف کاربردی است، به لحاظ معیار زمان مقطعی است، و به لحاظ معیار ژرفایی پهنانگر است. ابزار جمع‌آوری داده‌ها پرسشنامه بوده است. داده‌ها با استفاده از نرم‌افزار SPSS مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته‌اند.

منطقه مورد مطالعه

جامعه آماری این پژوهش در صفت «حاشیه‌نشین بودن» مشترک است و دربرگیرنده تمامی خانوارهای واقع در محله‌ها و مناطق کشتارگاه، امیرآباد، سجادیه، نصرآباد، کسنویه، مهدی‌آباد، فهادان، مریم‌آباد، چرخاب و سیدالشهداست. حجم نمونه با استفاده از فرمول کوکران و واریانس به دست آمده از پیش‌آزمون^۱، سطح اطمینان ۹۵ درصد و خطای احتمالی پنج درصد ۲۸۲ نفر (خانوار) محاسبه شد.

بحث و یافته‌های تحقیق

۵۷/۴ درصد پاسخگویان این تحقیق را زنان و ۴۲/۶ درصد آنان را مردان تشکیل داده‌اند. پدران ۱۴۱/۶ درصد پاسخگویان بی‌سوادند. ۳۴/۹ درصد آنان در مقطع ابتدایی، ۴۶/۵ درصد در مقطع راهنمایی و متوسطه و تنها ۶/۹ درصد آنان در مقاطع فوق دیپلم و بالاتر قرار دارند. همچنین ۱۶/۳ درصد پاسخگویان دارای مادرانی بی‌سواد هستند. ۴۲/۵ درصد مادران در مقطع ابتدایی، ۳۷/۳ درصد در مقطع راهنمایی و متوسطه و تنها ۲/۹ درصد آنان در مقاطع فوق دیپلم و بالاتر قرار دارند.

میانگین سال‌های اقامت پاسخگویان در این مکان ۱۵/۴۷ سال است. در ۳۲ درصد منازل پاسخگویان مورد بررسی، یک اتاق قابل سکونت موجود است و در ۴۳/۴ درصد دو اتاق. تنها ۲۴/۶ درصد پاسخگویان منزلی با سه اتاق قابل سکونت یا بیشتر دارند. ۳۹ درصد پدران خانواده دارای شغل آزاد هستند. ۳۸/۲ درصد کارگر، ۱۲/۴ درصد کارمند، ۶/۲ درصد بازنشسته، ۳/۳ درصد کشاورز و ۱/۱ درصد بیکارند. از طرفی ۹۳/۵ درصد مادران خانه‌دار، ۱/۵ درصد کارمند و ۱/۱ درصد کارگر هستند. ۴ درصد هم درون منزل از طریق خوداشتغالی‌هایی که برای خودشان ایجاد کرده‌اند (خیاطی، قالی‌بافی، آرایشگری و جز اینها)، درآمدی دارند. ۱۴/۶ درصد خانوارها درآمد کمتر از ۱۵۰ هزار تومان در ماه دارند. تنها ۱۳ درصد خانوارها هیچ‌گونه قرضی به دیگران ندارند و ۸۷ درصد دارای قرض و بدهی به بانک یا دیگران‌اند. ۵۲/۶ درصد پاسخگویان به میزان کم، ۲۸/۱ درصد به میزان متوسط و ۱۹/۳ درصد به میزان زیاد با همسایگان خود در محله، رفت و آمد دارند. ۵۷/۳ درصد پاسخگویان به میزان زیاد، ۳۵/۸ درصد به میزان متوسط، و ۶/۹ درصد به میزان کم، به همسایگان خود در محله اطمینان و اعتماد دارند. ۶۲/۸ درصد پاسخگویان در محله به میزان بالایی احساس امنیت داشته‌اند. ۳۱/۸ درصد به میزان متوسط و تنها ۵/۵ درصد در محله به میزان پایینی احساس امنیت کرده‌اند. ۳۳/۵ درصد

خانوارها به میزان کم، ۴۵/۳ درصد آنها به میزان متوسط و ۲۱/۲ درصد به میزان زیاد از وضعیت بهداشت محلله ابراز رضایت کرده‌اند. بین مهاجرت و ارتکاب جرایم اجتماعی رابطه وجود دارد.

در بین افرادی که مرتکب جرم شده‌اند، ۶۲/۵ درصد در محله تولد خودشان سکونت داشته‌اند و تنها ۳۷/۵ درصد آنان از محله تولد خود نقل مکان کرده‌اند، و مهاجر محسوب می‌شوند. البته تقریباً همین نسبت در بین کسانی که مرتکب جرم نشده‌اند نیز چشم می‌خورد.

جدول ۱. توزیع فراوانی نسبی پاسخگویان بر حسب ارتکاب جرایم و مهاجرت

محل سکونت پاسخگویان (مهاجرت)			ارتکاب جرم
شهری غیر از محل تولد	جابه‌جایی محل سکونت	محل تولد	
۱۲/۵	۲۵	۶۲/۵	بلی
۱۲/۹	۲۷/۱	۶۰	خیر

رابطه (۱) $\chi^2 = ۵۲۹$ Sig. $۰/۰۰۰۰۰۰۰۰$

انجام آزمون آماری کای دو در مورد رابطه بین دو متغیر پیش‌گفته معنادار نشده است (Sig=۰/۰۰۰۰۰۰۰۰). بنابراین بین مهاجرت و ارتکاب جرایم اجتماعی رابطه معنی‌داری وجود ندارد. فرضیه ۲، بین بیکاری و ارتکاب جرایم اجتماعی رابطه وجود دارد. در بین افرادی که مرتکب جرم شده‌اند، ۵۵/۶ درصد آنان به میزان زیاد در طول سال بیکارند؛ در حالی که ۱۷/۴ درصد از کسانی که مرتکب جرم نشده‌اند به میزان زیادی در طول سال بیکارند.

جدول ۲. توزیع فراوانی نسبی پاسخگویان بر حسب ارتکاب جرایم و بیکاری

میزان بیکاری در طول سال			ارتکاب جرم
زیاد	متوسط	کم	
۵۵/۶	۱۱/۱	۳۳/۳	بلی
۱۷/۴	۱۸/۵	۶۴/۱	خیر

رابطه (۲) $\chi^2 = ۸/۳۶۳$ Sig. $۰/۰۰۰۰۰۰۰۰$ Cramer's V $۰/۰۰۰۰۰۰۰۰$

آزمون آماری کای دو نشان‌دهنده وجود رابطه معنی‌دار (Sig=۰/۰۰۰۰۰۰۰۰) بین این دو متغیر است. به عبارت دیگر، افرادی که به میزان بیشتری در طول سال بیکارند بیشتر مرتکب جرم شده‌اند. فرضیه ۳، بین میزان تحصیلات پدر و ارتکاب جرایم اجتماعی رابطه وجود دارد. در بین افرادی که مرتکب جرم شده‌اند، ۷۷/۸ درصد دارای پدرانی با تحصیلات ابتدایی و یا بی‌سواد هستند؛ و این نسبت در بین کسانی که مرتکب جرم نشده‌اند، به ۴۴ درصد کاهش می‌یابد.

جدول ۳. توزیع فراوانی نسبی پاسخگویان بر حسب ارتکاب جرایم و تحصیلات پدر

ارتکاب جرم	تحصیلات پدر		
	بی سواد	ابتدایی	راهنمایی و متوسطه
بلی	۲۲/۲	۵۵/۶	۲۲/۲
خیر	۱۱/۵	۳۲/۵	۴۷/۷

رابطه (۳) $\chi^2 = ۲/۹۳۹$ Sig. $۰/۴۶۸$

البته انجام آزمون آماری کی دو در مورد رابطه بین دو متغیر مذکور معنادار نشده است (Sig=۰/۲۶۸). بنابراین بین میزان تحصیلات پدر و ارتکاب جرم رابطه معنی داری وجود ندارد.

فرضیه ۴، بین میزان تحصیلات مادر و ارتکاب جرایم اجتماعی رابطه وجود دارد.

داده‌های جدول ۴ نشان می‌دهد که در نمونه مورد بررسی، در بین افرادی که مرتکب جرم شده‌اند، ۸۸/۸ درصد دارای مادرانی با تحصیلات ابتدایی و یا بی سواد هستند؛ و این نسبت در بین افرادی که مرتکب جرم نشده‌اند، به ۵۸/۵ درصد کاهش می‌یابد.

جدول ۴. توزیع فراوانی نسبی پاسخگویان بر حسب ارتکاب جرایم و تحصیلات مادر

ارتکاب جرم	تحصیلات مادر		
	بی سواد	ابتدایی	راهنمایی و متوسطه
بلی	۴۴/۴	۴۴/۴	۱۱/۱
خیر	۱۵	۴۳/۵	۳۸/۵

رابطه (۴) $\chi^2 = ۶/۷۳۰$ Sig. $۰/۸۱$

آزمون کای دو در مورد رابطه بین دو متغیر پیش گفته معنادار نشده است (Sig=۰/۰۸۱). بنابراین بین میزان تحصیلات مادر و ارتکاب جرم رابطه معنی داری وجود ندارد.

آمار جدول ۵ بیانگر این است که در بین افرادی که مرتکب جرم شده‌اند، درآمد ماهیانه خانواده ۵۰ درصد پاسخگویان پایین تر از ۱۵۰ هزار تومان بوده است و تنها ۱۲/۵ درصد آنان دارای خانواده‌ای با درآمد ماهیانه ۳۰۰ هزار تومان و بیشتر بوده‌اند، در حالی که ۱۲/۸ درصد از کسانی که مرتکب جرم نشده‌اند، درآمد ماهیانه خانواده‌شان پایین تر از ۱۵۰ هزار تومان بوده است.

جدول ۵. توزیع فراوانی نسبی پاسخگویان بر حسب ارتکاب جرایم و درآمد خانواده

ارتکاب جرم	درآمد خانواده (هزار تومان)	
	۱۵۰ و کمتر	۱۵۱-۳۰۰
بلی	۵۰/۰	۳۷/۵
خیر	۱۲/۸	۶۷/۳

رابطه (۵) $\chi^2 = ۸/۸۱۸$ Sig $۰/۰۱۲$ Cramer's V $۰/۱۴۴$

آزمون‌های بررسی شده در مورد رابطه بین دو متغیر مذکور، معناداری آن را تأیید می‌کند (Sig=۰/۰۱۲). به عبارت دیگر، هر چه درآمد خانواده کمتر باشد ارتکاب جرم بیشتر است.

نتیجه‌گیری

یکی از یافته‌های این تحقیق رابطه بین میزان درآمد و ارتکاب جرم در بین حاشیه‌نشینان بوده است. همان‌گونه که در مبانی نظری اشاره شد، دیدگاه محرومیت بر تأثیر جرم‌زای فقدان درآمد مکفی برای تأمین نیازهای معیشتی اولیه تأکید دارد. یکی از عوامل مهم در شکل‌گیری مناطق حاشیه‌نشین، مسئله پایین بودن میزان درآمد افراد ساکن در مناطق حاشیه‌نشین است. بنابراین از دیدگاه جغرافیای اقتصادی، این موضوع دارای اهمیت است. افراد مناطق حاشیه‌نشین که به دلایل مختلفی از داشتن درآمد بالا محروم هستند، به سختی قادرند تا حداقل معیشت را برای خود و خانواده‌شان تأمین کنند. مسائلی همچون بی‌سوادی، ترک تحصیل در مقاطع ابتدایی و متوسطه، فقر مالی، فقر غذایی و سوء تغذیه، بیماری و ناراحتی‌های جسمی، اشتغال نامنظم، بیکاری و کارگری در مزارع و کارگاه‌های سنتی و نظایر اینها، باعث شده است تا افراد مناطق حاشیه‌نشین درآمد بالایی نداشته باشند. این موضوع که با پدیده‌های مهاجرت و بیکاری ارتباط دارد، سبب فقر افراد و رانش آنها از «متن» به «حاشیه» می‌شود.

عامل دیگری که رابطه معنی‌داری با ارتکاب جرایم اجتماعی داشت، بیکاری بود. افراد بیکار به دلیل نداشتن درآمد و تحمل فشارهای اقتصادی از یک‌سو، و فشارهای اجتماعی و روانی مترتب بر این امر از سوی دیگر، افکار نادرستی به ذهن‌شان خطور می‌کند و در نتیجه آنها به رفتارهای بزهکارانه و ارتکاب جرایم اجتماعی واداشته می‌شوند. برای کاهش جرایم ناشی از بیکاری باید اقدامات متعددی برای به‌دست آوردن مشاغل بهتر حداقل برای نسل دوم این خانواده‌ها انجام داد. این اقدامات شامل مواردی از این دست است: الف) آموزش فنون و مهارت‌های فنی لازم برای به‌دست آوردن مشاغل مناسب و دائمی؛ ب) ایجاد دسترسی به منابع اعتباری و خرده‌وام، چه برای بیکاران، چه برای شاغلان در بخش غیررسمی و مشاغل کم درآمد؛ پ) زمینه‌سازی و تشویق بخش خصوصی و عمومی در زمینه سرمایه‌گذاری و اشتغال‌زایی؛ ت) جلوگیری از تمرکز صنایع و کارخانجات و سازمان‌های دولتی با اجرای سیاست عدم تمرکز در شهرهای بزرگ؛ ث) کمک به رشد اقتصاد و کشاورزی نظیر بالا بردن اعتبارات کشاورزی؛ و ج) تدوین راهبرد بلندمدت درون‌زای منطقه و تغییر بنیادی اقتصاد منطقه، خصوصاً گرایش به تولید و حذف واسطه‌گری شهری و اصلاح الگوی مصرف در منطقه.

یکی از عوامل مهم در گرایش خانواده‌ها به اسکان در مناطق حاشیه‌ای شهر، پایین بودن نرخ خرید و اجاره‌بهای مسکن بوده است. برای دسترسی آسان‌تر افراد کم‌درآمد به مسکن مناسب در مناطق دلخواه شهری و کاستن از بار مشکلات فعلی، تعدیل نرخ خرید و اجاره مسکن و سامان‌دهی نظام اجاره‌نشینی ضروری به نظر می‌رسد. بهبود وضعیت عرضه و تقاضای مسکن ملکی و استیجاری در سطح شهر با به‌کارگیری سازوکارهای مناسب، همراه با اعمال سیاست‌های حمایتی، نظارتی و کنترلی بهینه، در زمینه تأمین مسکن اجتماعی می‌تواند گره‌گشای نیازهای مسکونی

گروه‌های کم درآمد شهری باشد. همچنین به منظور کاهش مشکلات موجود در بخش مسکن در سطح کشور، بایستی ضمن اجرای طرح‌های جامع منطقه‌ای و شهری و برنامه‌های میان‌مدت بخش مسکن در سطح ملی، بین آنها و فعالیت‌های ساخت‌وساز در سطوح شهری ارتباط ایجاد کرد. در سطح شهر یزد نیز بخشی از راه‌حل مسئله در کارآمدتر کردن و اجرایی شدن سیاست‌ها و برنامه‌های بخش مسکن، فراهم ساختن شرایط احداث مسکن اجتماعی با کمک بخش دولتی و خصوصی، همکاری مجموعه مدیریت شهری به منظور افزایش ساخت‌وسازهای قانونی و واگذاری تسهیلاتی در زمینه نوسازی و بازسازی بافت قدیمی و همکاری افراد خیر و توانا نهفته است.

در جمع‌بندی کلی باید گفت که یافته‌های این تحقیق، هم‌سو با نظریات فشار و قشربندی اجتماعی و به‌ویژه نظریه محرومیت است که مدعی است افراد به دلیل داشتن مشکلات اقتصادی و کمبود درآمد از یک‌سو و مقایسه خود با دیگرانی که در شهر هستند از سوی دیگر، تمایل زیادی به ارتکاب رفتار مجرمانه پیدا می‌کنند.

منابع

- Agnew, R., 1992, **Foundation for a General Strain Theory of Crime and Delinquency**, *Criminology*, 30(1), 47 – 87.
- Agnew, R., 1999, **A General Strain Theory of Community Differences in Crime Rates**, *Journal of Research in Crime and Delinquency*, Vol, 36, No. 2.
- Balkwell, J. W., 1990, **Ethnic Inequality and The Rate of Homicide**, *Social Forces* 69, 53–70.
- Blau, J. R., and P. M. Blau, 1982, **The Cost of Inequality: Metropolitan Structure and Violent Crime**, *American Sociological Review*, 47, 114–129.
- Blau, P.M., and R.M. Golden, 1986, Metropolitan Structure and Criminal Violence, *Sociological Quarterly*, 27, 15–26.
- Bonger, W., 1916, **Criminality and Economic Conditions**, Boston, Little, Brown and Company.
- Braithwaite, J., 1979, **Inequality, Crime, and Public Policy**, London, Routledge & Kegan Paul.
- Coit, K. 1994, **Self – Help Housing for The Poor**, A Cross, *Cultural Study*, Cities, No 11.
- Corzine, J. and Corzine, L. H., 1992, **Racial Inequality and Black Homicide: An Analysis of Felony, Nonfelony, and Total Rates**". *Journal of Contemporary Criminal Justice*, 8, 150–65.
- Fowles, R. and Merva. M., 1996, **Wage Inequality and Criminal Activity: An Extreme Bounds Analysis for The United States, 1975–1990**. *Criminology*, 34:163–182.
- Harer, M. D., and Steffensmeier, D., 1992, **The Different Effects of Economic Inequality on Black and White Rates of Violence**. *Social Forces*, 70:1035–1054.
- Jargowsky, Paul A., 2009. Cause or Consequence? Suburbanization and Crime in U.S. Metropolitan Areas, *Crime & Delinquency*, 55(1), 28-50.
- Kosari, M., 2003., **Social anomy and Addiction**, *Research in Addiction*, Scientific Periodical in Abusing Drugs, Center for Fighting Drugs, 5:13-29.

- Kovandzic, T.; Vieraitis, L. M., & Yeisley, M. R., 1998, **The Structural Covariates of Urban Homicide: Reassessing The Impact of Income Inequality and Poverty in The Post-Reagan Era**, *Criminology*, 36:569–599.
- Loftin, C., and Parker, R. N., 1985, **An Errors-in-Variable Model of The Effect of Poverty on Urban Homicide Rates**, *Criminology*, 23:269–287.
- Merton, R., 1938, **Social Structure & Anomie**, *American Sociological Review*, 3, 672–682.
- Messner, S.F., 1982, **Poverty, Inequality, and The Urban Homicide Rate**, *Criminology*, 20:103–114.
- Messner, S. F., 1983, **Regional Differences in The Economic Correlates of The Urban Homicide Rate: Some Evidence on The Importance of Cultural Context**, *Criminology*, 21:477–488.
- Mohammadi, Y.; Rahimian, M.; Movahed Mohammadi, H. and Tarfi, A., 2008, **An Investigation of The Problems of Suburban Settlement in Kohdasht City of Lorestan**, *Researches of Human Geography*, 4(86), 85-98.
- Mosavati Azar, M, 1995, **Social Pathology of Iran**, Tabriz, Nobel.
- Musavi Chashmi, M., 2007, **A study of sociology of crime: practical test of General Theory of Pressure (Agnew)**, MA Thesis, Mazanderan University.
- Ousey, G.C., 1999, **Homicide, Structural Factors, and The Racial Invariance Assumption**, *Criminology*, 37, 405–426.
- Park, Y., 2007, **The Relationship between Suburbanization and Crime in United States Metropolitan Areas**, Dissertation Abstracts International Section A: Humanities and Social Sciences 68 (2007), p. 1171.
- ParsaPajuh, S., 2002, **A Look at Suburban Settlement From an Interior Point of View**, Case Study: Eslamabad Karaj, *Social Welfare*, 6, 161-197.
- Peterson, R. D. and Bailey, W. C., 1988, **Forcible, Rape, Poverty, and Economic Inequality in U.S. Metropolitan Communities**. *Journal of Quantitative Criminology*, 4:99–119.
- Rabani, R.; Arizi, F.; Varesi, H. & Hoseini, M., 1385, **An Investigation of The Influencing Factors I Suburban Settlement and Its Social Consequences in The City of Ahwaz**, *Geography and Development*, 4th Year, Vol, 7, Spring and Summer 1385, Pp. 89-114.
- Sampson, R. J., 1985, **Race and Criminal Violence: A Demographically Disaggregated Analysis of Urban Homicide**, *Crime & Delinquency*, 31:47–82.
- Seigel, L., 1998, **Criminology**, London, Wadsworth Publishing Company.
- Seigel, L. and Senna, J., 1997, **Juvenile Delinquency**, Six Edition, West Publishing Company.
- Sotudeh, H., 1997, **Social Pathology: Deviations Sociology**, Tehran, Avaye Noor.
- Tavasoli, Gh, 1995, **Urban Sociology**, Payame noor University Press, Tehran.
- Williams, K. R., 1984., **Economic Sources of Homicide: Resituating The Effects of Poverty and Inequality**, *American Sociological Review* 49, 283–289.